

جرایم علیه دست‌اندرکاران عدالت قضایی در حقوق کیفری ایران و افغانستان

حبيب‌الله صالحی^۱

چکیده

عدالت قضایی از مهم‌ترین جلوه‌های عدالت اجتماعی است. همان اندازه که اجرای عدالت به‌واسطه دست‌اندرکاران اجرای عدالت قضایی لازم است، نبود موانع بر سر راه اجرای عدالت قضایی نیز ضروری است. از جمله موانع سر راه عدالت قضایی، تهدیدات علیه دست‌اندرکاران اجرای عدالت قضایی است. برای برطرف کردن این مانع باید قانون‌گذاران، امنیت قضات و دیگر اشخاص درگیر در اجرای عدالت قضایی را تأمین نمایند. تحقق این مهم زمانی به‌وجه احسن و مطلوب میسر می‌گردد که قانون‌گذاران فصل و مواد مستقلى، راجع به جرایم و تهدیدات علیه اشخاص دست‌اندرکار در عدالت قضایی اختصاص داده، کیفیات مخففه و مشدده مهم را برای حسن اجرای عدالت به تصویب برسانند. بر اساس یافته‌های این مقاله، قانون‌گذار افغانستان در تحقق این هدف، قدمی جلوتر از قانون‌گذار ایران حرکت کرده است. فصل مجزایی، راجع به موانع تطبیق عدالت قضایی اختصاص داده و به جزئیات جرم تهدید علیه اشخاص درگیر در اجرای عدالت قضایی پرداخته است؛ اما قانون‌گذار ایران جرم تهدید را به‌صورت عمومی و کلی مورد نظر قرار داده و توجه خاصی به تهدیدات علیه عدالت قضایی نداشته است. این مقاله به‌صورت توصیفی-تحلیلی نگارش شده است و یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که در هر دو نظام کیفری خلأها و نواقص قانونی در این راستا وجود دارد. قانون افغانستان در جرم تهدید به تفاوت ابزار و وسایل مورد استفاده توجه نکرده است و قانون ایران از توجه خاصی به جرم تهدید علیه اجرای عدالت قضایی غفلت ورزیده است.

کلیدواژه‌ها: عدالت، قضا، امنیت، اجرای عدالت، قضات، مجنی‌علیه، شهود، اهل خبره.

۱. دانش‌پژوه دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد، ایران.



مقدمه

اصل عدالت، همواره از جمله مفاهیم ارزشی و بلند آرمانی، در حیات اجتماعی بشریت بوده است. چه آنان که به این اصل باورمند و ملتزم بوده‌اند و چه آنان که جزو ستمگران بوده‌اند، حداقل در زبان و شعار خود از پای‌بندی به این اصل دم می‌زنند.

عدالت در تمام ادیان، مکاتب و حکومت‌ها طرف‌دار داشته و عملکرد و رفتار اشخاص و دول با این شاخص مورد نقض و ابرام واقع می‌شده است. امروزه نیز در حوزه حقوق کیفری اندیشمندان تلاش‌های چشمگیری در تألیفات و مقالات خویش انجام داده‌اند و بر تحقق عدالت پافشاری می‌کنند.

یکی از راه‌های رسیدن به عدالت، ساختار نظام قضایی عادلانه و باورمند به عدالت است. تمام تلاش‌های عدالت کیفری در عدالت قضایی ثمر داده و به بار می‌نشینند. چنان که ممکن است نبود مقتضی (چون عدم باورمندی و نداشتن تزکیه نفس در قضات و ضابطین قضایی) تحقق عدالت را ناممکن سازد، وجود موانع نیز اجرای عدالت را سخت و چه‌بسا ناممکن می‌سازد. یکی از موانع بر سر راه عدالت، تهدید علیه اشخاص درگیر در اجرای عدالت قضایی است. این اشخاص چنان که در متن جامعه نیازمند امنیت هستند، در فرایند عدالت قضایی نیز باید امنیتشان تأمین شود. درهم‌تنیدگی زندگی نوین و رواج فرهنگ شهرنشینی و گسترش جرایم سازمان‌یافته و مافیایی، تحقق عدالت را سخت کرده است.

مجرمین دخیل در باندهای سازمان‌یافته و مافیایی امروزه اگر قدرت و مهارت برتر از حکومت‌ها و پلیس نداشته باشند، دست‌کم برابر با آن‌ها هستند. وجود مجرمین خطرناک می‌طلبد که قانون‌گذاران امنیت قضات، شهود، بزه‌دیدگان و دیگر اشخاص دخیل در اجرای عدالت قضایی را به‌طور خاص تأمین نمایند. بنابراین در فرض نبود امنیت، قضات و ضابطین قضایی یا جان بر سر نی ستم بدهند و عدالت را اجرا کنند یا عدالت را فدای منافع شخصی چون حفظ جان، مال و شرف خود و خانواده خود نمایند.

سوالی که باید دنبال پاسخ آن باشیم این است که نظام حقوقی کیفری ایران و افغانستان در قبال جرایم علیه عدالت قضایی و تهدید اشخاص دست‌اندرکار در عدالت قضایی چه اقدامی انجام داده است؟ چه خلأهای کاربردی و راهبردی در عدالت کیفری و به تبع آن در عدالت قضایی وجود دارد و چه راهکارهایی قابل پیشنهاد و اجرا هستند؟

۱- مفهوم‌شناسی

۱-۱- عدالت

الف) تعریف عدالت:

عدالت در لغت: به معنای برابری آمده است. معانی: مثل، فدیة و ضد جور از مصادیق معنای اول است. عدل و عدول به معنای میل و ظلم نیز به کار رفته است (قرشی‌بنایی، ۱۴۱۲ق، ص. ۳۰۱). عدل و عدل هم آمده است؛ اولی در امور که با بصیرت و عقل درک می‌شود به کار می‌رود مثل احکام شرعیه و قوانین

عادلانه؛ دومی در مورد اموری که با حواس درک می‌شود مثل واحدهای اندازه‌گیری کیل، وزن، کیلو و... (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۵۵۱). عدل به معنای تساوی در مقدار و وزن و عدل به معنای جایگزین به غیرهم‌جنس نیز آمده است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ص. ۳۹۶).

عدالت در اصطلاح: در اصطلاح علوم مختلف برداشت‌های متفاوت از عدالت بیان شده است. برخی عدالت را «مساوات» می‌دانند و عده‌ای عدالت را «دادن حق به صاحب حق» می‌دانند. از طرفی در مورد خاستگاه عدالت بحث‌های عمیق میان علما وجود دارد. برخی آن را فطری و برخی اکتسابی دانسته‌اند.

(ب) انواع عدالت:

در دسته‌بندی عدالت، مکاتب مختلف شیوه‌ها و معیارهای متفاوتی را بیان کرده‌اند. علمای اخلاق عدالت را به فردی و اجتماعی تقسیم کرده‌اند. عدالت فردی همان تعادل قوای نفسانی تحت اداره عقل است و عدالت اجتماعی میوه و ثمره عدالت فردی است. وقتی انسان رابطه قوای نفسانی خود را با مدیریت عقل به تعادل و سامان رساند، باید روابط و رفتار خود را در محیط خانواده و اجتماع نیز متعادل بسازد بلکه رفتار چنین انسانی در تعامل با دیگران به‌طور اتوماتیک حسنه و عادلانه خواهد شد (جوادی آملی، ۱۳۹۱، صص. ۱۶۵-۱۶۴).

جامعه‌شناسان و فیلسوفان غربی فقط عدالت اجتماعی را در آثارشان مورد بررسی و دسته‌بندی قرار داده‌اند: عدالت یا طبیعی است و یا قانونی. به اعتبار دیگر عدالت یا توزیعی است و یا اصلاحی؛ از حیث دیگر عدالت یا قانونی است یا اخلاقی (جوادی آملی، ۱۳۹۱، صص. ۱۶۸-۱۶۶). برخی عدالت را به الهی و غیرالهی تقسیم کرده‌اند. عدالت الهی: ۱- تکوینی ۲- تشریعی ۳- جزایی. عدالت غیرالهی: ۱- فردی ۲- اجتماعی، عدالت اجتماعی: ۱- سیاسی ۲- قضایی ۳- اقتصادی برشمرده است (گرایلی، بی تا، بی جا).

۱-۲- عدالت قضایی

چنان‌که از تعاریف عدالت دریافت شد، عدالت از منظر مکاتب مختلف و با پسوندهای متفاوت، مفاهیم متفاوتی را تبارز می‌دهد. یکی از دسته‌بندی‌های عدالت با ترکیب و پسوند قضا، عدالت قضایی می‌باشد. برای این مفهوم از عدالت نیز تعاریف مختلف از سوی حقوق‌دانان ایراد شده است. «عدالت قضایی بدان معناست که اگر افراد جامعه انسانی از حیث انسانیت و حقوق انسانی مساوی بودند، باید در مقام قضا نیز مساوی بوده و حقی که مورد تجاوز قرار گرفته استیفا و هیچ ملاحظه اعتباری و ارزشی مورد توجه قرار نگیرد» (عزیزی و مهدوی ثابت، ۱۳۹۷، ص. ۲۵۷). «کلیه افراد و اشخاص جامعه به‌طور یکسان و بدون تبعیضات ناشی از وضعیت طبقاتی یا موقعیت اجتماعی یا وضعیت عقیدتی و سیاسی به‌طور یکسان از خدمات قضایی دادرها و دادگاه‌ها استفاده نمایند» (آقایی، ۱۳۹۰، ص. ۱۶). «اعمال و اجرای ضوابط و مقررات مربوط به قوانین شکلی و ماهوی نسبت به اشخاص به‌صورت یکسان» (پورمظفر، ۱۳۸۹، ص. ۱۵). به‌طوری که قابل ملاحظه است، هرکدام از این تعاریف در حد وسع و فهم گوینده خود، مفهومی از «عدالت قضایی» برای ما القا و تبیین می‌دارد. چون در تعاریف شرح‌الاسمی هدف توضیح و تبیین لفظی به



لفظی روشن‌تر نزد مخاطب است دیگر موضعی برای نقد و نقاش جامع الافراد و مانع الاغبار بودن تعریف باقی نمی‌ماند.

برای روشن شدن مفهوم عدالت قضایی لازم است که نسبت این واژه با واژگان «عدالت کیفری»، «عدالت حقوقی» و «امنیت قضایی» بررسی شده و از خلط‌شدن مفاهیم و مصادیق این‌ها با همدیگر جلوگیری شود.

عدالت کیفری در مرحله تقنین راجع به وضع قانون عادلانه و از تناسب بین مجازات و رفتار مجرمانه و زبان وارده علیه جامعه و افراد بحث می‌کند و عدالت قضایی راجع به صدور حکم و اجرای آن مطابق عدالت کیفری و رعایت تمام شیوه‌ها و اصول دادرسی در صدور و اجرای حکم و مجازات بحث می‌کند. به این ترتیب، باید گفت عدالت کیفری مربوط به مرحله وضع قانون و عدالت قضایی مربوط به صدور و اجرای حکم مطابق قانون است (آقای، ۱۳۹۰، ص. ۱۸؛ نجارزادگان و مسعودیان، ۱۳۸۹، ص. ۳۵).

عده‌ای می‌گویند عدالت جزایی سه مرحله دارد: مرحله وضع قانون عادلانه، صدور حکم عادلانه و اجرای حکم عادلانه. در حالی که پرواضح است مرحله صدور و اجرای حکم داخل عدالت قضایی است و نه داخل عدالت کیفری (آقای، ۱۳۹۰، ص. ۱۸). به این ترتیب، عدالت قضایی وقتی محقق می‌شود که قانون عادلانه باشد یعنی ممکن نیست عدالت قضایی بدون قانون عادلانه تحقق یابد، هرچند با وجود قانون عادلانه ممکن است عدالت قضایی نقض شود چنان که امکان دارد اجرا شود.

عدالت حقوقی اعم از عدالت قضایی است و در واقع مفهوم وسیعی از واقعیت‌های قانونی، اجتماعی و روانی که مراحل تقنین، اجرا و تفسیر قانون را در بر می‌گیرد، شامل می‌شود. به این ترتیب، عدالت حقوقی فراتر از عدالت قضایی، کیفری و حتی عدالت سیاسی و عمومی است. با این توضیح باید گفت عدالت قضایی در بطن عدالت حقوقی جا دارد و یکی از اقسام آن است (نجارزادگان و مسعودیان، ۱۳۸۹، ص. ۳۵). در تعریف امنیت قضایی گفته شده است: «اطمینان خاطری است که بر اساس آن افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند. یا امنیت قضایی عبارت است از کیفیت مناسب عملکرد دادگاه‌ها در به‌کار بستن ضمانت‌های اجرای قانون، به‌ترتیبی که شهروندان را قبل از نقض قوانین و تعهداتشان، از آن عمل باز دارد» (محدث و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۲۱۰). ممکن است در تعریف امنیت قضایی این تعریف را بگوییم: «امنیت قضایی عبارت است از اعتماد و اطمینان شهروندان به سیستم قضا و دست‌اندرکاران تابع آن در حفظ و حراست از تمامی حقوق مادی و معنوی‌شان در مقابل مجرمین قبل از تحقق جرم». به این ترتیب، می‌توان گفت امنیت قضایی قبل از تحقق جرم معنا پیدا می‌کند ولی عدالت قضایی بعد از تحقق جرم در مرحله دادرسی اعم از صدور و اجرای حکم.

برخی امنیت قضایی را این طور تعریف نموده‌اند: «عدالت قضایی، عملکرد صحیح، به‌هنگام و بدون تبعیض سیستم قضایی جهت رسیدن به اهداف تعریف شده و اطمینان عمومی نسبت به این عملکرد»

(محدث و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۲۱۱). از این تعریف این گونه استنباط می‌شود که امنیت قضایی مفهوم مشابه به عدالت حقوقی است که عدالت کیفری و قضایی را در بر می‌گیرد.

۲- جرایم علیه عدالت قضایی

در تعریف جرایم علیه عدالت قضایی گفته شده است: «مجموعه رفتارهایی است که به منظور ایجاد مانع در جریان عدالت قضایی و در دوره‌های مختلف زمانی حتی قبل از شکل‌گیری فرایند دادرسی نسبت به جرم اصلی یا حق تضییع شده تا مرحله اجرای حکم، قابل ارتکاب بوده و توسط مقنن با تصریح به ضمانت اجرای کیفری اعلام شده است» (عزیزی و مهدوی ثابت، ۱۳۹۷، ص. ۲۵۹).

از توضیحاتی که در دایره عدالت قضایی بیان شده‌اند، راجع به جرایم علیه عدالت قضایی در قالب تهدید علیه اشخاص درگیر در اجرای عدالت قضایی باید گفت: «جرم تهدید، رفتار مجرمانه علیه تمامیت جسمانی، مالی و حیثیتی مقامات قضایی، شهود، مطلعان، زه‌دیده و یا بستگان آنان به منظور به تعطیلی کشاندن فرایند دادرسی در عدالت قضایی، است».

۲-۱- تعریف تهدید

تهدید در لغت به معنای ترساندن و بیم دادن، ارعاب و تخویف آمده است (فراهیدی، بی‌تا؛ راغب اصفهانی، بی‌تا؛ ابن‌منظور، بی‌تا). در اصطلاح به معنای «ارعاب یا ترساندن دیگری برای انجام آنچه وی می‌خواهد» (یکرنگی، ۱۳۸۹، ص. ۷۸). «تهدید عبارت است از مجموعه اقدامات کتبی و یا شفاهی که شخص به عمل می‌آورد تا دیگری را بر خلاف میل باطنی خود وادار به ارتکاب عمل مجرمانه بنماید، به نحوی که اگر از ارتکاب به این عمل امتناع ورزد احتمال خطر جانی یا مالی یا افشای اسرار یا نسبت دادن اموری که موجب هتک شرف می‌شود برای تهدید شده زیاد باشد و این خطر به حدی باشد که با توجه به وضعیت وی از جمله وضعیت نسبی، شخص تهدید شده قادر به مقابله با آن نباشد» (آقایی، ۱۳۹۰، ص. ۳۴). «اعلام قصد ایراد صدمه غیرقانونی به تمامیت جسمانی یا مالی یا آبرو و یا حیثیت اشخاص و یا بستگان نزدیک ایشان را تهدید گویند» (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۷۸). عده‌ای گفته‌اند: «تهدید در اصطلاح عبارت است از توسل به اعمال فشار بر دیگری که باعث ارتکاب جرم گردد» بیان شده است (ساریخانی و موسوی، ۱۴۰۰، ص. ۱۹۶).

به طوری که ملاحظه می‌شود در تعاریف فوق سعی شده است مفهومی از تهدید به مخاطب القا بشود. برخی با اجمال و برخی با تفصیل به تبیین مفهوم تهدید پرداخته‌اند. از آنجایی که در این موارد تعریف حقیقی به صورت حد و رسم لازم نیست برای تقریب به ذهن و روشن شدن آن، راجع به مفهوم تهدید تا حدودی مفید است.

با وجود این، ممکن است تهدید را این طور تعریف نمود: تهدید عبارت است از بیم دادن و ترساندن به جان، مال و حیثیت افراد، از سوی فرد قادر به انجام عمل مورد تهدید؛ بر خلاف حق و قانون، به گونه‌ای که فرد مورد تهدید توانایی مقابله با آن را نداشته باشد.



به این ترتیب، در تعریف فوق چندین عنصر لازم است تبیین شود: (۱) بیم و ترس باید در مورد چیزی باشد که برای فرد مهم باشد مثل جان، مال معتنا، آبرو و شرف اجتماعی، پس اگر تهدید به گرفتن دانه گندم از اموال یا گرفتن ناخن از جان وی نماید یا بازگو کردن چیزی را که همه می‌دانند، تهدید نیست؛ (۲) کسی که شخصی را به امور مهم تهدید می‌کند باید توانایی انجام عمل مورد تهدید را داشته باشد تا تهدیدی که رافع مسئولیت جزایی است صدق نماید. بنابراین اگر یک پیرمرد فرتوت، جوانی برومند و رشیدی را تهدید نماید که اگر پنج کیلو گوشت گوسفند از مغازه شخص الف برایم نیاوری، تو را حسابی تنبیه خواهم نمود، این را کسی تهدید نمی‌گوید. (۳) این تهدید باید خلاف قانون و حق باشد. اگر ضابط قضایی یا پلیس دستور ضبط اموال یا دستگیری شخصی را داشته باشد و او را تهدید به تحویل اموال یا تسلیم شدن خودش نماید ولی او تمکین نکند، آسیب به وی برسد، موضوع تهدید محقق نشده است. (۴) شخص مورد تهدید توان جسمی یا فرصت اطلاع دادن به پلیس یا کمک خواستن از دیگران را نداشته باشد در غیر این صورت تهدیدی صورت نگرفته است.

۲-۲- انواع تهدید

برای تهدید اقسام زیر بیان شده است و این تقسیمات به لحاظ رویکرد خاصی از مفهوم و موضوع تهدید صورت گرفته است.

الف) اقسام تهدید به اعتبار مفهوم:

تحقق مفهوم تهدید علیه شخصی به دو اعتبار قابل فرض است. گاهی تهدید به صورت صریح بیان می‌شود مثلاً رودررو با الفاظ تهدیدآمیز یا از طریق مکاتبه یا از طریق تماس، طرف را مبنی بر اضرار جانی، مالی و حیثیتی نسبت به خود یا یکی از بستگان نزدیک وی، موجبات رعب و تخویف وی را فراهم می‌آورد. گاهی به صورت ضمنی بیان می‌شود (الی احمد، ۱۳۹۷، ص. ۴۶). در این فرض اعمال و رفتار مجرم به گونه‌ای است که نمایانگر تهدید علیه مجنی علیه است. مثلاً مجرم یا بستگان و یا رفقای وی، مجنی علیه را در راه رفتن به سوی دادگاه با یک مانور جاده‌ای با ماشین، زیر گلولی یکی از خودشان چاقو می‌گذارد یا روی شقیقه‌اش کلت می‌گذارد و به سوی مجنی علیه اشاره می‌نمایند، یعنی که اگر بخواهی به دادگاه بروی و یا به پلیس خبر دهی، خودت یا فرزندت را این چنین به قتل خواهیم رساند (یکرنگی، ۱۳۸۹، ص. ۸۰؛ آقایی، ۱۳۹۰، ص. ۳۶).

ب) اقسام تهدید به اعتبار موضوع:

گاهی تهدید را به اعتبار موضوع آن مورد دسته‌بندی قرار می‌دهند؛ در این فرض گاهی تهدید علیه جان و تمامیت جسمانی فرد صورت می‌گیرد، گاهی علیه آبرو و تمامیت معنوی فرد صورت می‌گیرد و گاهی علیه اموال و دارایی‌های افراد جامعه صورت می‌پذیرد. در آینده راجع به این بخش مفصل‌تر پرداخته خواهد شد (یکرنگی، ۱۳۸۹، ص. ۸۰؛ آقایی، ۱۳۹۰، ص. ۳۶).

ج) اقسام تهدید به اعتبار ساده و مرکب بودن:



تهدید گاهی ساده است. در این قسم تهدید مجرم خواسته دیگری ندارد. مثلاً رئیس اداره‌ای کارمندی را مرتب تهدید به اخراج یا افشای اسرار او می‌نماید. گاهی تهدید همراه با درخواستی است. مثلاً مردی زن خود را مورد آزار و اذیت قرار داده است و او به دادگاه شکایت کرده است و اکنون او را به پس‌گرفتن شکایتش تهدید می‌نماید (یکرنگی، ۱۳۸۹، ص. ۸۰).

(د) اقسام تهدید به اعتبار عدالت قضایی:

گاهی تهدید فقط علیه اشخاص درگیر در اجرای عدالت قضایی است یعنی تهدید صورت می‌گیرد که در فرایند اجرای عدالت، اخلاقی ایجاد شود تا باعث تعطیلی و انحراف در تحقق عدالت گردد. گاهی تهدید علیه دیگر اشخاص صورت می‌گیرد یعنی قبل از ورود به فرایند قضایی اتفاق می‌افتد (یکرنگی، ۱۳۸۹، ص. ۸۰).

آنچه به موضوع این مقاله مرتبط است تهدید قسم اول است. تهدید به معنای دوم در عدالت کیفری مورد بحث قرار می‌گیرد نه در عدالت قضایی.

(ه) تهدید به اعتبار مادی و معنوی:

تهدید علیه اشخاص درگیر در اجرای عدالت قضایی، مانند اکراه و اجبار رافع مسئولیت کیفری به مادی و معنوی قابل تقسیم خواهد بود. منشأ تهدید مادی فشار قوایی است که عنان اختیار را از انسان سلب و مقهور قوای دیگر می‌سازد. ممکن است این فشار از درون نشئت گیرد یا از برون؛ به این اعتبار به تهدید درونی و برونی قابل تقسیم است؛ مثلاً طرف‌داران مجرم فرم گذشت از شکایت را پر کرده و اثر انگشت شاکی را به اجبار در زیر آن فشار داده و موجب آزادی فرد مجرم را فراهم می‌آورند. یا قبل از شکایت شاکی را در جایی محبوس کرده تا زمینه فرار متهم فراهم شود (اردبیلی، ۱۳۹۱، ج. ۲، صص. ۹۵-۹۳).

منشأ تهدید معنوی وقتی است که تحت سلطه احساسات، ترس، وحشت و یا هیجان شدید صورت گیرد که اختیار از کف فرد بیرون شود. در این فرض نیز تهدید به تهدید درونی و برونی قابل تقسیم است، مثلاً شخصی را تهدید نماید که از شکایت صرف‌نظر نماید (همان).

۲-۳- مراحل تهدید

این طور نباید تلقی شود که جرم تهدید، علیه اشخاص درگیر در اجرای عدالت قضایی، فقط در مرحله دادگاه و محاکمه قابل تحقق است، بلکه این جرم در تمام مراحل تعقیب عدلی و فرایند عدالت قضایی از مرحله کشف و تحقیق گرفته تا مرحله دادرسی و حتی بعد از دادرسی در مرحله اجرای حکم قابل تحقق است.

قانون‌گذار افغانستان از آنجایی که جرم علیه اجرای عدالت قضایی را در فصل مستقل و جداگانه‌ای جرم‌انگاری کرده است، به‌طور مشخص به جرم تهدید علیه اشخاص یادشده، در تمام مراحل پرداخته است چنان‌که در بند ۴ ماده ۴۶۱ کود جزا می‌نویسد: «استعمال قوه یا تهدید یا ارباب در مراحل تعقیب عدلی



به منظور مداخله در اجرای وظایف رسمی قاضی، سارنوال، مأمور ضبط قضایی، وکیل مدافع، اهل خبره در ارتباط به ارتکاب اعمالی که در این قانون جرم شناخته شده باشد».

در قانون ایران راجع به جرایم علیه اجرای عدالت قضایی به خصوص جرم تهدید علیه اشخاص درگیر در اجرای عدالت کیفری اشاره‌ای به خصوصی ندارد. لذا این تعمیم قابل استفاده نیست. هرچند در ماده ۶۶۹ تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ تهدید به معنای عام را جرم‌انگاری کرده است که هم شامل تهدید علیه اشخاص درگیر در اجرای عدالت قضایی می‌شود و هم شامل دیگر اشخاص. عمومی این ماده هر نوع تهدیدی، نسبت به هر شخصی را در هر مرحله‌ای در بر می‌گیرد اما بدون تفاوت بین اشخاص درگیر در اجرای عدالت قضایی و دیگران.

۴-۲- اشخاص مورد تهدید

در فرایند عدالت قضایی، از ابتدای طرح شکایت شاکی یا اقدامات پلیس گرفته تا اجرای حکم، اشخاص زیادی درگیر می‌باشند چنان‌که در بند ۴ ماده ۴۶۱ کود جزای افغانستان بدان‌ها اشاره رفته است: «... قاضی، سارنوال (دادستان)، مأمور ضبط قضایی، وکیل مدافع و اهل خبره...» از اشخاص مورد تهدید در اجرای عدالت قضایی محسوب شده‌اند.

۴-۲-۱- تهدید مقامات قضایی

تحقق اجرای عدالت قضایی در گرو وجود امنیت قضایی است. همان اندازه که نبود امنیت قضایی توسط مقامات قضایی در عدم رعایت اصول و مبانی دادرسی عادلانه باعث سلب اطمینان شهروندان از نظام قضایی می‌شود (محدث و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۱۶۰). نبود امنیت و عدم حمایت کافی از مقامات قضایی در اجرای عدالت، باعث تزلزل پایه‌های کلبه عدالت می‌گردد. یکی از مواردی که عدالت قضایی را به چالش کشانده و از صراط مستقیمش منحرف می‌سازد، تهدیدات علیه مقام قضایی از سوی مجرم و باندهای حامی و خانواده اوست.

قضات همان اندازه که در اجرای عدالت به تزکیه و پاکی نفس نیاز دارند، به امنیت جانی، مالی و حیثیتی خود و خانواده‌شان نیز نیاز دارند. به این ترتیب، تحقق هدف این چنین مهم، توجه ویژه سیاست‌گذاران کیفری را می‌طلبد که حمایت از قضات را به‌طور ویژه و خاص مورد جرم‌انگاری قرار داده و تهدیدات علیه این بخش از جامعه را متفاوت‌تر از تهدیدات علیه افراد دیگر مورد توجه قرار داده و تهدیدات علیه این اشخاص را در زمره کیفیات مشدده قرار دهند. زیرا امروزه چون گذشته قاضی به‌عنوان مقام دولتی از یک سو و متهم از سوی دیگر به‌صورت ساده و بسیط مطرح نیست بلکه موارد و پرونده‌هایی یافت می‌شود که قاضی با یک باند دارای تشکیلات برتر یا برابر با دولت طرف می‌شود که در این مواقع جان و مال و خانواده قضات با خطر جدی مواجه است. لذا نیازمند حمایت مضاعف است چون در اینجا هم اجرای عدالت و هم حفظ جان قاضی به‌حیث یک نیروی کارآمد که رویش هزینه جامعه صرف شده است، برای دولت اهمیت بسزایی دارد (یکرنگی، ۱۳۸۹، ص. ۹۰). اگر حمایت درخور صورت نگیرد، قاضی ناچار از انتخاب



یکی از این دو امر است یا عدالت را فدای منافع شخصی کرده داشته‌های خود را نجات دهد یا عدالت را اجرا و جانش را فدا نماید که هر کدام برای امنیت قضایی و دولت هزینه سنگینی را تحمیل می‌نماید. در راستای رسیدن به این هدف والا، حقوق کیفری افغانستان یک قدمی جلوتر از حقوق کیفری ایران است. مقنن ایران در ماده ۶۶۸ و ۶۶۹ کتاب تعزیرات، جرم تهدید را به صورت عام مورد توجه قرار داده است: «هرگاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشای سری نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.» «هرکس با جبر و قهر یا با اکراه و تهدید دیگری را ملزم به دادن نوشته یا سند یا امضا یا مهر نماید و یا سند و نوشته‌ای که متعلق به او سپرده به او می‌باشد را از وی بگیرد به حبس از سه ماه تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد.»

قانون‌گذار ایران به جرم تهدید از جهات مختلف توجه نموده است و هرچند در مواردی از کیفیات مشدده هم دانسته است اما به تهدید علیه قضات توجه خاصی مبذول نداشته است. در جایی تهدید را شرط تحقق جرم دانسته است (ماده ۶۹۴ ق.م.ا). در جایی از کیفیات مشدده بیان داشته است (بند ۵ ماده ۶۵۱ ق.م.ا). در جایی باعث سلب مسؤولیت کیفری دانسته است (بند ۳ ماده ۱۹۸ ق.م.ا).

مقنن افغانستان در بند ۴ ماده ۴۶۱ کود جزا با صراحت به این مورد پرداخته است: «اعمال ذیل ممانعت از تطبیق عدالت شناخته می‌شود: ... ۴- استعمال قوه یا تهدید یا ارباب در مراحل تعقیب عدلی به منظور مداخله در اجرای وظایف رسمی قاضی... در ارتباط به ارتکاب اعمالی که در این قانون جرم شناخته شده است.»

۲-۴-۲- تهدید شهود و بزه دیدگان

خداوند متعال در مورد اهمیت ادای شهادت و قباحث کتمان شهادت می‌فرماید: «وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ أِثْمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ» (بقره ۲۸۳). ادای شهادت را کتمان نکنید. هر کسی شهادت را کتمان نماید، نشان‌گر قلب گناه‌کار اوست، هرچند خداوند از دانستن‌های شما آگاه است. یا در حدیثی از رسول مکرم اسلام راجع به اهمیت ادای شهادت و قباحث کتمان شهادت چنین وارد شده است: «پیامبر خدا (ص) می‌فرماید: هر که شهادتی را کتمان کند، یا شهادتی دهد که خون مسلمانی را پایمال کند، یا مال مسلمانی را از بین ببرد، روز قیامت در حالی آورده شود که چهره‌اش تاریک است و ظلمت آن، تا جایی که چشم کار می‌کند، کشیده شده است و در صورتش خراش‌هایی است و مردمان او را به نام و نسب می‌شناسند» (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج. ۱، ص. ۵۶۶).

ادای شهادت از سوی افراد یک جامعه متهمان نشان‌دهنده تعالی معنویت و انسانیت در آن جامعه است. از سوی دیگر در بسیاری موارد اقامه قسط و عدالت نیازمند بیان شهادت و گواه است زیرا یکی از راه‌ها و ادله اثبات دعوا شهادت و گواهی دادن است. انسان‌ها همیشه یا همه ابنا‌ی بشر آرمان‌گرا نیستند که خود



را فدای جامعه و اهداف متعالی الهی و انسانی نمایند. هرچند این امور مهم است اما در کنارش تأمین امنیت جان، مال و خانواده‌اش نیز در درجه اول اهمیت است. به این ترتیب، باید متولیان امر از هویت شهود حفاظت و حراست نمایند.

در اینجا نیز مثل حمایت از قضات می‌طلبید که قانون‌گذاران کیفری بحث تهدید و مخاطرات علیه شهود را مجزا با حدت و شدت بالاتری مورد جرم‌انگاری قرار دهند. در این مورد نیز قانون‌گذار افغانستان بحث حمایت از شهود در برابر تهدیدات بزهکاران را به‌طور خاص مورد توجه قرار داده است. در ماده ۴۶۱ راجع به جرایم مانع از تطبیق عدالت، یکی از موارد این جرایم را تهدید شهود و بزه‌دیده دانسته، می‌نویسد: «۱- استعمال قوه یا تهدید یا ارعاب مجنی علیه یا شاهد یا وعده، پیشنهاد و یا پرداخت منفعت خلاف قانون به آن به‌منظور تحمیل ادای شهادت دروغ یا امتناع از ادای شهادت یا مداخله در شهادت». قانون‌گذار ایران در اینجا نیز قانون خاصی ندارد. فقط چنین جرایمی به استناد مواد ۶۶۸ و ۶۶۹ قابل مجازات و تعقیب است. بحث از شاهد در نظام کامن‌لا و نظام‌های رومی-ژرمن و دینی متفاوت است. در کامن‌لا شاهد هم شامل شاهد مصطلح و به‌معنای خاص می‌شود و هم شامل بزه‌دیده و مجنی علیه می‌شود. در کامن‌لا شاهد یعنی کسی که از وقوع واقعه و حادثه جرمی خبر دهد فرق ندارد از بزه‌دیدگی خود خبر دهد یا از بزه‌دیدگی دیگران خبر دهد. اما در نظام دینی و رومی-ژرمن شاهد کسی است که به‌حیث ناظر حوادث و اتفاقات جرمی یا کارشناس پرونده، مبادرت به ارائه اطلاعات و گزارشات کارشناسی خود می‌نماید (یکرنگی، ۱۳۸۹، ص. ۸۰).

به‌هرحال حمایت از بزه‌دیده، بسان حمایت از قضات و شهود، در برابر جرایم تهدیدآمیز لازم و نیاز مبرم امنیت قضایی و عدالت قضایی است. توجه به این نیاز وقتی اهتمام بیشتر را نشان می‌دهد که به‌طور خاص و مجزا مورد عنایت سیاست‌گذاران کیفری هر نظام واقع گردد. چنان‌که از اشارات به مواد و فقرات قانون مجازات اسلامی ایران و کود جزای افغانستان در فوق ملاحظه گردید مقنن افغانستان به حمایت کیفری از بزه‌دیده در مقابل تهدیدات واکنش خاص داشته است و مقنن ایران تفکیک بین بزه‌دیدگان تهدید قائل نشده است و همگان را در یک سطح تحت حمایت کیفری قرار داده است.

۲-۴-۳- تهدید سایر اشخاص درگیر در اجرای عدالت قضایی

از دیگر اشخاص درگیر در اجرای عدالت قضایی که نیازمند حمایت ویژه کیفری هستند و ممکن است بزه‌دیده جرم تهدید واقع شوند؛ وکیل مدافع، مترجم، کارشناس (پزشک قانونی)، اطلاع‌دهنده یا ارائه‌کننده مدارک و معلومات مرتبط به جرم باشند. در این خصوص نیز کود جزای افغانستان در ماده ۴۶۱ در بند ۲ و ۴ خود از این اشخاص نام برده و حمایت کیفری ویژه‌ای مقرر کرده است و قانون‌گذار ایران بسان مقامات قضایی، شهود و بزه‌دیدگان از سایر اشخاص درگیر عدالت قضایی نام نبرده بلکه همگان را یکسان تحت حمایت مواد ۶۶۸ و ۶۶۹ قرار داده است.

۲-۵- عناصر جرم تهدید

در هر جرمی وجود عناصر سه‌گانه لازم و ضروری است. بنابراین تحلیل مواد قانونی راجع به جرم تهدید می‌طلبد که عناصر این جرم بررسی شود.

۲-۵-۱- عنصر قانونی

در کود جزای افغانستان عنصر قانونی جرم تهدید شماره‌های ۱، ۲ و ۴ بند ۱ ماده ۴۶۱ است. در قانون مجازات اسلامی ایران مواد ۶۶۸ و ۶۶۹ کتاب تعزیرات است.

۲-۵-۲- عنصر روانی

از آنجایی که این جرم هم در قانون ایران و هم در قانون افغانستان از جمله جرم‌های عمدی است عنصر معنوی این جرم، عمد می‌باشد. به این ترتیب، تحقق این جرم به‌صورت شبه‌عمد یا خطای محض قابل تحقق نیست. پس عنصر معنوی این جرم مطابق کود جزای افغانستان هم دارای سوء نیت عام است و هم سوء نیت خاص. سوء نیت عام همان علم و اراده به ارتکاب جرم است و سوء نیت خاص اخلاف در فرایند اجرای عدالت به‌منظور تحمیل ادای شهادت دروغ، یا امتناع از ادای شهادت یا مداخله در شهادت یا ممانعت از ارائه مدارک و معلومات یا ممانعت از صدور حکم، می‌باشد. اما مطابق قانون جزای ایران فقط سوء نیت عام تصور دارد چون جرم تهدید را جداگانه مورد توجه قرار نداده است.

۲-۵-۳- عنصر مادی

(الف) عمل فیزیکی:

عمل فیزیکی مجرم در این جرم مطابق ماده ۴۶۱ کود جزای افغانستان استعمال قوه، تهدید یا ارعاب علیه یکی از اشخاص درگیر در اجرای عدالت است. مطابق مواد ۶۶۸ و ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی ایران عمل فیزیکی مجرم، جبر و قهر یا اکراه و تهدید بیان شده است. فرق ندارد مجنی علیه چه کسی باشد.

(ب) شرایط اوضاع و احوال:

مطابق ماده فوق در کود جزای افغانستان برای تحقق جرم تهدید شرایط زیر بیان شده است: ۱- مداخله در وظایف مراجع عدلی و قضایی از طریق زور و تهدید صورت گیرد. اگر با استدعا و التماس در وظایف مقامات فوق مداخله نماید، مصداق این ماده قرار نمی‌گیرد. ۲- مداخله در اجرای عدالت در تمام مراحل آن منظور است لذا فقط شامل دادرسی و محاکمه نمی‌شود حتی بعد از محکوم شدن نیز قابل تحقق است. مثلاً مجرم محکوم به حبس شده، در زندان به‌سر می‌برد. وکیل مدافع وی را با تهدید و اکراه از دفاع کردن از حقوق متهم باز می‌دارد. همین‌جا نیز جرم تهدید علیه اشخاص درگیر در اجرای عدالت قضایی یا «مداخله در وظایف مقامات عدلی و قضایی» تحقق یافته است. ۳- تهدید علیه مقامات عدلی و قضایی در اینجا زمانی مصداق این جرم واقع می‌شود که او در راستای اجرای وظایف رسمی خود باشد. به این ترتیب، اگر فردی با قاضی یا دادستان (سارنوال) مشکل شخصی داشته باشد وی را تهدید نماید مصداق این جرم واقع نمی‌شود. ۴- تحقق جرم تهدید علیه اشخاص درگیر در عدالت، فقط علیه اشخاصی که در این ماده ذکر



شده است تصور دارد مثل قضا، دادستان (سارنوال)، مأمور ضبط قضایی، وکیل مدافع، مترجم، کارشناس و اهل خبره. پس این جرم علیه سایر اشخاص مقامات قضایی تصور ندارد.

(ج) نتیجه مجرمانه:

جرم تهدید علیه اشخاص درگیر در اجرای عدالت قضایی، از جمله جرم‌های مطلق بوده نیاز به حصول نتیجه مجرمانه خاصی ندارد. هرچند سوء نیت خاص دارد اما سوء نیت خاص وابسته به نتیجه خاص نیست. این مطلب هم از ماده ۴۶۱ کود جزا و هم از ماده ۶۶۹ قانون مجازات قابل استفاده است، هرچند ذیل ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی ایران «اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد» به این مطلب صراحت دارد. اما تهدید در ماده ۶۶۸ قانون مجازات چون جرم مرکب از اعمال تهدید و گرفتن سند یا دیگر موارد مذکور در ماده است از جمله جرم‌های مقید محسوب می‌شود نه جرم مطلق.

۲-۶- ماهیت جرم تهدید

به‌طوری که ملاحظه شد، جرم‌های تهدید علیه اشخاص فوق در زمره جرم‌های مطلق به حساب می‌آید، یعنی صرف مجرم، خانواده یا باند‌های حامی وی یکی از اشخاص منظور این مواد را تهدید نمایند، جرم مورد نظر واقع شده ولو اخلاص در اجرای عدالت قضایی رخ نداده باشد. چنان‌که در فوق تذکر داده شد جرم تهدید موضوع ماده ۶۶۸ قانون مجازات اسلامی جرم مقید است. این جرم فقط با فعل مثبت قابل تحقق است به این ترتیب، با ترک فعل تحقق نمی‌یابد.

۲-۷- مجازات جرم تهدید

بین قانون افغانستان و ایران چنان‌که در تفکیک و عدم تفکیک جرم تهدید علیه عدالت قضایی از سایر تهدیدات تفاوت وجود دارد؛ در مجازات مجرمین این جرم نیز تفاوت مشهود است. در قانون افغانستان علاوه بر اینکه این حوزه را به‌طور خاص جرم‌انگاری کرده است که نشان از رویکرد خاصی در مجازات دارد، به حالت‌های مشدده و مخففه مجازات نیز توجه ویژه داشته است. اما در قانون ایران، این دقت و جزئیات مد نظر قرار نگرفته است.

در قانون ایران به‌طور مطلق آمده است که تهدید و اکراه یا جبر و قهر علیه شخصی اعمال شود، مطابق ماده ۶۶۸ از سه ماه تا دو سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود: «هرکس با جبر و قهر یا با اکراه و تهدید دیگری را ملزم به دادن نوشته یا سند یا امضا یا مهر نماید یا سند و نوشته‌ای که متعلق به او سپرده به او می‌باشد را از وی بگیرد به حبس از سه ماه تا دو سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد». مطابق ماده ۶۶۹ مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و حبس از دو ماه تا دو سال علیه او اعمال خواهد شد: «هرگاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی یا به افشای سری نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام یا

ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

در کود جزای افغانستان مجازات جرم تهدید علیه اشخاص درگیر در اجرای عدالت قضایی را با در نظر گرفتن معیارهای خاصی دسته‌بندی کرده است. اگر مجرم، صرفاً تهدید نماید و در عمل اخلال در فرایند عدالت قضایی ایجاد نشود، یک‌گونه مجازات می‌شود. اگر تهدید خود را عملی نماید، گونه‌ای دیگر مجازات می‌شود. اگر مرتکب جرم تهدید، در جرایم تروریستی باشد مثلاً فردی پلیس را تهدید نماید که فلان جرم تروریستی را تعقیب ننماید، گونه‌ای دیگر مجازات می‌شود و اگر این مجرم از مقامات و مأمورین خدمات عامه باشد مجازات دیگری دارد.

۸-۲- موضوع تهدید

جرم تهدید وقتی مصداق دارد که راجع به موضوعات صورت بگیرد که برای بزه‌دیده مهم است. اهمیت موضوع تهدید به تشخیص عرف بستگی دارد. بنابراین زمانی شخص به دلیل جرم تهدید قابل تعقیب عدلی است که از نظر عرف رفتار یا گفتار شخص متهم تهدید تلقی شود و از نظر عرف با ملاحظه احوال و شرایط تهدیدکننده و تهدیدشونده، تهدید عملی باشد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۸، ج. ۳، ص. ۳۸۵). از جمله موضوعاتی که هم در تهدید عمومی و هم در تهدید راجع به اشخاص درگیر در اجرای عدالت قضایی، مطرح شده است، جان، مال و حیثیت شخص بزه‌دیده یا یکی از بستگان وی است.

۸-۲-۱- تهدید علیه جان

ماده ۴۶۱ کود جزای افغانستان که به جرم تهدید علیه اشخاص درگیر در اجرای عدالت قضایی پرداخته است، صرفاً از «واژه تهدید» استفاده کرده و متعلق تهدید را مشخص نکرده است. شاید علتش این باشد که موضوع مورد تهدید را در ماده ۶۲۳ بیان کرده است و این ماده هم به مفاد آن ماده ارجاع داده شده باشد. در بند ۱ این ماده می‌نویسد: «شخصی که دیگری را به ارتکاب جنایت علیه نفس... کتباً تهدید نماید ... به حبس طویل محکوم می‌گردد، مشروط به اینکه تهدید توأم با مطالبه یک شیء یا اجرای یک فعل یا امتناع از آن باشد». در بند ۲ تهدیدی را که با مکتوبی خالی از اسم فرستنده یا منسوب به یک جمعیت موهوم باشد، به عین مجازات بند ۱ محکوم می‌نماید.

ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی ایران نیز یکی از موضوعات مورد تهدید را تهدید علیه جان شخص بزه‌دیده می‌داند: «هرگاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل ... نماید به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

۸-۲-۲- تهدید علیه شرف و آبرو

به شرح فوق‌الذکر، ماده ۴۶۱ موضوع جرم ممانعت از تطبیق عدالت را بیان نکرده است و ماده ۶۲۳ در بند ۱ خود یکی از موضوعات جرم تهدید را شرف و حیثیت بزه‌دیده دانسته است: «یا تهدید به استناد امور



مخل شرف یا افشای آن باشد به حبس طویل محکوم می‌شود». قانون مجازات اسلامی ایران در همان ماده نیز به این موضوع اشاره دارد.

۳-۸-۲- تهدید علیه اموال

به شرح ایضاً تهدید علیه اموال در هر دو قانون مورد اشاره قرار داده شده است. نکته‌ای که در قانون مجازات اسلامی ایران مورد اشاره واقع شده است که در قانون افغانستان، نه در تهدید عام و نه در تهدید خاص (مانع از تطبیق عدالت) بدان پرداخته نشده است؛ مفاد ماده ۶۶۸ قانون مجازات اسلامی است. در این ماده به الزام کردن بزه‌دیده به دادن نوشته یا سند یا امضا یا مهر چه مال خودش باشد و چه از کسی نزد وی به امانت باشد، مورد توجه واقع شده است. از آنجایی که این امور به قرینه ماده ۶۶۹ تحت مفهوم مال داخل نیست پس می‌شود گفت موضوع چهارم مورد تهدید، این موارد می‌باشد.

۲-۹- محدوده تهدید

بزه‌دیده جرم تهدید می‌تواند بزه‌دیده مستقیم یا غیرمستقیم باشد. بزه مستقیم آن است که به‌طور مستقیم از رهگذر یک رفتار مجرمانه دچار آسیب جسمانی، روانی، عاطفی یا اقتصادی گردیده باشد؛ بزه‌دیده غیرمستقیم آن است که به‌طور مستقیم از رفتار مجرمانه متضرر نشده است بلکه به‌واسطه متضرر شدن دیگری متضرر محسوب می‌شود. به این ترتیب، جرم تهدید می‌تواند علیه خود شخص باشد یا علیه یکی از بستگان وی باشد که در نتیجه می‌تواند هر کدام بزه‌دیده مستقیم و غیرمستقیم نسبت به همدیگر محسوب شود (یکرنگی، ۱۳۸۹، ص. ۸۰). یعنی یک زمان فردی شخصاً مورد تهدید واقع می‌شود، پس خودش بزه‌دیده مستقیم و بستگان وی بزه‌دیده غیرمستقیم خواهد بود. یک زمان فردی را به‌واسطه صدمه زدن به دیگری مورد تهدید قرار می‌دهد که در این صورت خود بزه‌دیده غیرمستقیم و بستگانش بزه‌دیده مستقیم خواهد بود.

۳-۹-۱- تهدید علیه خود شخص

هم در قوانین ایران و هم در کود جزای افغانستان به این مورد تصریح شده است. کود جزای افغانستان در ماده ۶۲۳ خود در بند ۱ مصداق تهدید مشدد را علیه نفس، مال و شرف شخص متصور دانسته و مستحق مجازات حبس طویل می‌داند. در ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۲ نیز تهدید علیه جان، مال و شرف طرف محقق دانسته و به جزای تا ۷۴ ضربه شلاق و حبس از دو ماه تا دو سال حبس محکوم می‌دارد. کود جزای افغانستان در جرم تهدید به‌طور خاص که مانع از تطبیق عدالت و علیه اشخاص درگیر در اجرای عدالت قضایی صورت می‌گیرد، به موضوعات و محدوده جرم تهدید اشاره نکرده است لذا ناچاریم آن مواد (۴۶۱ به بعد را) ناظر به ماده ۶۲۳ بدانیم، هرچند این ماده به لحاظ ترتیب متأخر از ماده مذکور است اما این موضوع اشکال ایجاد نمی‌کند.

۲-۹-۲- تهدید علیه بستگان شخص

ملاک در تهدید این است که شخص را وادار به تمکین نماید. این مقصود ممکن است با تهدید در یکی از موضوعات جان، مال و حیثیت خود شخص یا کسی که برای شخص مهم است محقق شود. راجع به تهدید بستگان شخص هم در کود جزا و در قانون مجازات اسلامی مورد اشاره واقع شده است. فقط تفاوتی که وجود دارد در این است که در قانون ایران از واژه «بستگان» استفاده کرده است و قانون افغانستان از واژه «غیر» استفاده کرده است. این احتمال دارد که از واژه غیر برداشت وسیع‌تری بشود نسبت به واژه بستگان. لذا بر اساس قانون ایران اگر فردی غیر از بستگان نسبی یا سببی‌اش مورد تهدید واقع شود، نمی‌تواند او را بزه‌دیده تهدید دانست مثلاً رفیقش را به گروگان گرفته است یا مال و آبروی رفیقش را به‌مخاطره انداخته است که اگر فلان اقدام و عملی را انجام ندهی، تهدید خود را عملی خواهم نمود.

بر اساس قانون افغانستان این تعمیم قابل استفاده است لذا واژه غیر شامل رفیق فرد هم می‌شود، هرچند واژه «غیر» هر کسی غیر از خود شخص را در بر می‌گیرد اما این واضح است که فقط کسی مراد و منظور است که تهدید او باعث متأثر شدن شخص مورد نظر بشود و گرنه یک بیگانه‌ای را تهدید نماید، به این شخص هیچ انگیزه‌ای ایجاد نمی‌شود که تهدید مجرم را اجرا نماید (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۸، ج. ۳، ص. ۳۷۸).

۲-۱۰-۱- ویژگی‌های تهدید

تهدید به‌طور عام یا تهدید علیه عدالت قضایی در صورتی جرم محسوب خواهد شد که جامع شرایط مقرر در قانون باشد. به این ترتیب، هر تهدید جرم نیست بلکه وقتی جرم است که شرایط مطرح در ذیل را دارا باشد.

۲-۱۰-۲- غیرقانونی بودن

تهدید باید غیرقانونی باشد. بنابراین، این سؤال ممکن است ایجاد شود که مگر تهدید قانونی هم داریم؟ بله تهدید می‌تواند قانونی باشد. مثلاً شخصی مجرم از صحنه جرم در حال فرار است و پلیس طبق قانون، برای متوقف شدن وی به شلیک کردن تهدید می‌نماید یا شاکی شخصی مجرم را به طرح شکایت در دادگاه و کشاندن وی به پای میز محاکمه تهدید می‌نماید یا شخص مدافع مهاجم را به زدن وی در صورت عملی کردن تهاجمش تهدید می‌نماید. همه این موارد تهدید است اما قانونی و جرم نیست (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۶).

۲-۱۰-۲- صریح بودن

تهدید مستقیم باشد یا غیرمستقیم، باید صریح باشد. بنابراین اگر رفتاری از متهم سر زند که صراحت در تهدید ندارد نمی‌توان آن را جرم دانست مثلاً فردی با «نقاشی کردن حالت شلیک به شخص تهدیدشونده» او را تهدید نماید. مثلاً این نقاشی را سر راه وی قرار دهد یا شبانه وارد خانه وی اندازد. در ضمن آن نامه‌ای



مبنی بر درخواستی هم ارسال نماید، نمی‌توان گفت مرتکب جرم تهدید شده است و باید به جزای مقرر محکوم شود (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۴).

۲-۱-۳- ایجاد رعب و وحشت

تهدید مجرمانه آن است که در شخص مورد تهدید ترس و وحشت ایجاد نماید. اگر تهدید طوری باشد چنین حالتی ایجاد نکند، نمی‌توان جرم دانست مثلاً بگوید اگر ماشینت را ندهی پسرت را در راه مدرسه با چاقو خواهیم زد و این شخص بدون ترس و دل‌هره بگوید «خوب، دیگه چی».

پس باید تهدید در فرد تهدیدشونده ترس و رعب ایجاد نماید. رعب هم باید این اوصاف سه‌گانه را داشته باشد و هر رعبی تهدید مجرمانه محسوب نمی‌شود: ۱- نخست فرد مورد تهدید واقعاً ترسیده باشد. ۲- دوم این ترس به‌طرز معقول و متعارف ایجاد شود. ۳- سوم این ترس پایدار باشد (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۱).

۲-۱-۴- قریب‌الوقوع بودن

تهدید از نظر مخاطب و تهدیدشونده باید طوری تلقی شود که اگر به خواسته مجرم و تهدیدکننده تمکین نکنم، تهدیدش را عملی خواهد کرد. منظور از قریب‌الوقوع بودن این نیست که تهدید در همان لحظه اعمال شود بلکه توانایی اعمال او در تهدیدکننده برای تهدیدشونده مشاهده شود؛ لذا قریب‌الوقوع بودن با ترس متعارف و واقعی رابطه مستقیم دارد (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۵).

۲-۱-۵- عمدی بودن

از دیگر ویژگی‌های جرم تهدید این است که به‌صورت عمدی صورت پذیرد. بنابراین این جرم به‌صورت خطا و شبیه خطا قابل تحقق نیست. هرچند در قانون ایران و افغانستان این جرم از جرم‌های مطلق است اما در قانون ایران به‌صرف سوء نیت عام اکتفا شده است (ماده ۶۶۹) ولی در قانون افغانستان در تهدید عام مثل قانون ایران است (ماده ۶۲۳) اما در تهدید علیه عدالت قضایی سوء نیت خاص که همان به تعطیلی کشاندن اجرای عدالت باشد نیز ملحوظ داشته شده است (ماده ۴۶۱).

۲-۱۱- ابزار تهدید

جرم تهدید از جمله جرم‌هایی است که تحقق آن وابسته به وسیله‌ای خاصی نیست. ملاک در تکون یافتن این جرم تحقق مفهوم تهدید است، این مفهوم می‌تواند با هر وسیله‌ای محقق شود. تهدید می‌تواند گفتاری، رفتاری و نوشتاری باشد.

قانون‌گذار ایران در ماده ۶۶۹ با صراحت بیان می‌دارد که این جرم به‌وسیله‌ای خاصی مقید نیست چنان‌که قابل ملاحظه است: «هرکس دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشای سری نسبت به خود یا بستگان او نماید...» کلمه «به هر نحو» بیانگر عدم تقید به وسیله‌ای خاصی است. اما در برخی جرایم، تحقق جرم تهدید را مقید به وسیله‌ای خاصی کرده است مثل ماده ۶۱۷: «هرکس به‌وسیله چاقو و یا هر نوع اسلحه دیگر تظاهر یا قدرت‌نمایی کند یا آن را وسیله مزاحمت

اشخاص یا اخاذی یا تهدید قرار دهد یا با کسی گلاویز شود در صورتی که از مصادیق محارب نباشد به حبس از شش ماه تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد». چنان‌که ملحوظ نظر قرار گرفت در این ماده جرم تهدید به وسیله خاص مثل انواع سلاح سرد و گرم جداگانه جرم‌انگاری و به وسیله خاص مقید شده است.

ماده ۶۰۷ نیز تهدید مقید به وسیله‌ای خاصی را بیان می‌دارد: «هرگونه حمله یا مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مأمورین در حین انجام وظیفه آنان به عمل آید، تمرد محسوب می‌شود و مجازات آن به شرح ذیل است: ۱- هرگاه متمرّد به قصد تهدید اسلحه خود را نشان دهد حبس از شش ماه تا دو سال. ۲- هرگاه متمرّد در حین اقدام دست به اسلحه برد حبس از یک تا سه سال. ۳- سایر موارد حبس از سه ماه تا یک سال. تبصره: اگر متمرّد در هنگام تمرد مرتکب جرم دیگری هم بشود به مجازات هر دو جرم محکوم خواهد شد».

در مواد ۴ و ۵ قانون مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند، نیز تهدید مقید به وسیله‌ای خاص به چشم می‌خورد. در اینجا مقنن تهدید مخاطب را مقید به استفاده از آثار مبتذل و مستهجن که از وی تهیه شده، دانسته است. در ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸ و ماده ۷۴۳ تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، جرم تهدید با استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی را جرم‌انگاری کرده است.

با وجود این، مناسب بود که قانون‌گذار ایران جرم تهدید را در حالات و موارد خاص با در نظر گرفتن کیفیات مخففه و مشدده در ضمن تبصره یا مواد مستقل به صورت عام جرم‌انگاری می‌کرد (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۷، ص. ۹۸).

قانون‌گذار افغانستان در مواد عدیده‌ای از کود جزا به جرم تهدید در موارد مختلف پرداخته ولی در هیچ کدام تحقق این جرم را مقید به وسیله‌ای خاصی نکرده است. در ماده ۵۷، ۳۵۴، بندهای ۱ و ۴ ماده ۴۶۱، مواد ۶۲۳ تا ۶۲۶، ماده ۴۲۳ و ماده ۴۱۴ از کلمه «تهدید» استفاده کرده است.

۳- حمایت کیفری از دست‌اندرکاران عدالت قضایی در اسناد بین‌المللی

اسناد فراملی مثل کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با جرایم سازمان‌یافته موسوم به کنوانسیون پالرمو ۲۰۰۳ و اساس‌نامه دادگاه کیفری بین‌المللی به حمایت از دست‌اندرکاران عدالت قضایی جرم تهدید علیه آنان را جرم‌انگاری کرده‌اند. در بند ۱ ماده ۴ اساس‌نامه دادگاه، دول عضو را مکلف به توسعه جرم‌انگاری جرایم علیه عدالت قضایی نموده است: «هر دولت عضو موظف است در مورد مجازات جرایم علیه سلامت تحقیقات، قوانین جزای خود را توسعه دهد یا رسیدگی‌های قضایی خود را به جرایم علیه اجرای عدالت که در این ماده به آن اشاره شده و در قلمرو آن دولت توسط یکی از اتباع آن ارتکاب یافته است تعمیم دهد». کنوانسیون پالرمو در بند ۱ ماده ۳۲ خود به دول عضو توصیه می‌کند: «هر کشور عضو بر اساس نظام حقوقی داخلی خود و در چارچوب امکانات خود اقدامات مقتضی را اتخاذ خواهد نمود تا از شهود و



کارشناسانی که در خصوص جرایم احراز شده بر اساس این کنوانسیون شهادت می‌دهند و در صورت اقتضا اقارب و سایر اشخاص نزدیک به آن‌ها در مقابل تلافی یا تهدید بالقوه حمایت مؤثر به عمل آورد». ایران در سال ۱۳۸۷ به کنوانسیون پالرمو ملحق شد و این کنوانسیون به تصویب مجلس ایران رسیده و اکنون در حکم قانون ایران است اما به اساس نامه دیوان هنوز ملحق نشده است. بر فرض الحاق ملزم به جرم‌انگاری جرایم علیه عدالت قضایی است. افغانستان به این اسناد پیوسته است و در سال ۲۰۰۳ به اساس نامه دیوان کیفری ملحق شد. به این ترتیب، جرایم علیه عدالت قضایی را هم مورد عنایت سیاست کیفری خویش قرار داده است. حقوق‌دانان ایرانی نیز توصیه می‌نمایند که هم به حکم توصیه اسناد بین‌المللی و هم به حکم ضرورت چالش‌های فراروی اشخاص درگیر در عدالت قضایی، جرم‌انگاری این حوزه به‌طور خاص از مبرمات حمایت کیفری از اشخاص درگیر در اجرای عدالت قضایی است (یکرنگی، ۱۳۸۹، ص. ۸۲). مقنن ایران در دو مورد جرم تهدید را به‌طور مستقل جرم‌انگاری کرده است، یکی ماده ۵۰ قانون جرایم نیروهای مسلح و ماده ۶۰۷ قانون مجازات اسلامی ولی راجع به تهدیدات علیه اشخاص درگیر در اجرای عدالت کیفری چنین اقدامی از خود نشان نداده است.

نتیجه‌گیری

زندگی اجتماعی بشر در سایه درخت بلندقامت عدالت، مزه و لذت پیدا می‌کند و این درخت شاخه‌های متعددی دارد که یکی از شاخه‌های آن تأمین عدالت در اجرای قضاوت است. امکان دارد که جرایمی چون تهدیدات علیه اشخاص دخیل در اجرای عدالت در همین جا نیز مانع از تحقق عدالت گردد لذا نیازمند حمایت و سیاست‌گذاری است. بشر در هر جا و زمانی نیازمند تأمین عدالت و امنیت است و مردم افغانستان و ایران نیز از این اصل مستثنا نیستند و این انتظار وجود دارد که عدالت قضایی در نظام کیفری‌شان به‌وجه احسن تأمین شود.

با توریق کتب سیاست کیفری این دو کشور، گام‌هایی راجع به تأمین عدالت کیفری و مبارزه علیه جرایم تهدیدکننده امنیت اشخاص درگیر در اجرای عدالت قضایی، به چشم می‌خورد؛ اما با وجود شاخصه‌های مبرز، دچار خلأها و نواقص تقنینی هستند. قانون‌گذار ایران اصلاً از اختصاص دادن مواد و فصل مستقل به جرایم علیه اجرای عدالت قضایی غفلت ورزیده است و این نشانگر عدم توجه به اهمیت حفظ امنیت اشخاص درگیر در اجرای عدالت قضایی است. هرچند تهدید را به‌صورت عمومی جرم‌انگاری کرده است، اهمیت تأمین عدالت در این موضوع به دلیل حساسیتش توجه ویژه می‌طلبد. قانون‌گذار افغانستان در راستای نیل به این هدف قدم بلند و به‌جایی برداشته است و این اقدامی نیک در تحقق هرچه بیشتر عدالت محسوب می‌شود، اما از توجه به ابزارهای به کار رفته در اعمال تهدید که قطعاً به‌لحاظ اثرگذاری تفاوت دارد، غفلت ورزیده است.



پیشنهادهات

سیاست‌گذاری کیفری به سبک مرسوم امروزی در دنیا، بر اساس نقد و پیشنهادات دکترین حقوق و محققان این رشته، بسان سایر جوانب سیاست‌گذاری‌های جامعه بشری؛ شکل گرفته و هر روز به رشد و بالندگی می‌افزاید. به این ترتیب، در اینجا نکاتی به سیاست‌گذاران کیفری مورد نظر، تذکر داده می‌شود.

۱- قانون‌گذار ایران هم به حکم حسن هرچه بیشتر اجرای عدالت و هم به حکم توصیه‌های اسناد بین‌المللی چون ماده ۴ کنوانسیون پالرمو ۲۰۰۳ که در ۱۳۸۷ توسط مجلس ایران به تصویب رسیده و حکم قانون را یافته است؛ باید توجه ویژه‌ای راجع به تأمین امنیت اشخاص درگیر در اجرای عدالت قضایی در قبال جرایم محتمله چون تهدید این اشخاص از خود نشان دهد. ضرورت جامعه هم می‌طلبد که به این مهم عطف توجه شود زیرا موارد زیادی به‌طوری که در متن مذکور است از قضات و دادستان‌ها و همکارانشان در این راستا در نهادهای مختلف قضایی جانشان را از دست داده و مورد ترور واقع شده‌اند.

۲- در زمانی که این مقاله نوشته شده است، از حاکمیت مجدد امارت اسلامی (طالبان) بر کشور افغانستان حدود چهار سال و اندی می‌گذرد. از آنجا که قوانین غنی افغانستان در این زمان منسوخ واقع شده است، سخن گفتن از نقایص جزئی در حمایت از دست‌اندرکاران اجرای عدالت قضایی سالبه به انتقای موضوع است؛ اما با وجود این، پیشنهادی دیگر به حاکمان فعلی افغانستان پیشکش می‌گردد تا شاید مفیدفایده واقع گردد.



منابع

- قرآن کریم.
- آقایی، قاسم. (۱۳۹۰). *جرایم علیه عدالت قضایی در مرحله دادرسی*. دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
- اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۹۱). *حقوق جزای عمومی*. ج. ۲. انتشارات میزان.
- بحرانی، یوسف. (۱۴۱۶ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. ج. ۱. بنیاد بعثت.
- بخشی‌زاده اهری، امین. (۱۳۹۲). *محتسای قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*. انتشارات عصر اندیشه.
- پورمظفر، مرتضی. (۱۳۸۹). *تحلیل فقهی-حقوقی جرایم علیه عدالت قضایی در مرحله اجرای حکم*. دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
- جمعی از نویسندگان. (۱۳۹۸). *شرح کود جزای افغانستان*. ج. ۲ و ۳. کابل.
- رحیمی، محمدمهدی و همکاران. (۱۳۹۷). *جرم تهدید در حقوق کیفری ایران و آمریکا*. فصل‌نامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۶(۶)، ۷۸-۱۰۶.
- ساریخانی، عادل؛ موسوی، سید حیدر شاه. (۱۴۰۰). *موانع ثبوتی عدالت قضایی در اسلام، حقوق کیفری افغانستان و فرانسه*. فصل‌نامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱(۱)، ۱۹۶.
- کود جزای افغانستان. (۱۳۹۶).
- محدث، محسن و همکاران. (۱۳۹۸). *امنیت قضایی در مرحله دادرسی در حقوق کیفری و روبه قضایی و چالش‌های فرارو*. پژوهش‌نامه نظم و امنیت/انتظامی، ۱۲(۴)، ۲۱۱-۱۶۰.
- نजारزادگان، فتح‌الله؛ مسعودیان، مصطفی. (۱۳۸۹). *بررسی تطبیقی جرایم علیه عدالت قضایی از دیدگاه قرآن و حقوق کیفری ایران*. فصل‌نامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، ۳(۳)، ۳۵.
- الی‌احمد، عمر. (۱۳۹۷). *جرایم علیه عدالت قضایی در نظام کیفری عراق با مطالعه تطبیقی در نظام کیفری فرانسه و ایران*.
- یک‌رنگی، محمد. (۱۳۸۹). *جرایم علیه اجرای عدالت قضایی*. تهران: انتشارات خرسندی.

Table of Contents

An Examination of the Foundations of Legitimate Defense in Islamic Jurisprudence and Iranian Law / 3

Avaz Kazemi and Mohammadreza Mirzaei

An Analysis of the Jurisprudential and Legal Foundations of Criminal Mediation / 21

Nayeb-Ali Akhtari

A Jurisprudential-Legal Study of the Ownership of Lands and Pastures in the Imami, Hanafi Schools and Afghan Law / 33

Mohammad Zia Karimi

Assessing the Validity of Divorce in Imami and Hanafi Jurisprudence with a Comparative Approach in Afghan Law and the Personal Status Regulations of Islamic Countries / 43

Yahya Hashemi

Challenges of Criminal Policy in Combating Administrative Corruption in Afghan Criminal Law / 57

Mohammad Nabi Akhlaqi

Crimes Against the Administrators of Judicial Justice in the Criminal Law of Iran and Afghanistan / 71

Habibullah Salehi



Legal Discourses

Vol. 14, No. 1 (Issue 27),
Spring & Summer 2025

Under the supervision of:
Scientific Association of Law,
Al-Mustafa University

**Language Editor &
Page Designer**
Pirayeshe Qalam Services

Website
<https://ild.journals.miu.ac.ir>

Print run: 100 copies
Price: 1,000,000 IRR
Printed by: Al-Mustafa
Digital Printing House

Address
Research Department,
Al-Mustafa International
University, Shahid
Modarres 1, 7th Floor,
Shahid Modarres Blvd.,
Mashhad, Iran

Phone: (+98)51-32211821
Fax: (+98)51-32217167
Postal Code: 9133936316

Publisher: Al-Mustafa International University
Place of Publication: Al-Mustafa International
University, Khorasan

Director-in-Charge: Ruhollah Saeedi Fazel
Editor-in-Chief: Mohammadreza Mirzaei

Editorial Board:
Nayeb-Ali Akhtari
Yahya-Hossein Akbari
Mesbah Khalili
Ehsatollah Farhang
Firooz Mohammadi
Mohammadreza Mirzaei
Mahdi Yousefi

Aims & Scope
This journal is devoted to publishing scholarly works in the field of legal studies. It seeks to foster an academic and research-oriented environment aimed at analyzing, critiquing, and examining prevailing ideas within the Qur'anic domain. Furthermore, the journal endeavors to introduce new topics and issues, providing thoughtful insights and solutions to the intellectual challenges confronting contemporary humanity, particularly within the Islamic world.

Academic Accreditation
This journal is a biannual specialized publication licensed under No. 75778/94 by the Ministry of Culture and Islamic Guidance of the Islamic Republic of Iran.

Disclaimers and Permissions
The views expressed in this journal do not necessarily reflect those of the editorial board.
The journal reserves the right to edit all submitted manuscripts.
Content from this journal may be reproduced with proper citation.

Indexing & Abstracting:
This journal is indexed in the Al-Mustafa Journals Database (journals.miu.ac.ir) and Noor Specialized Journals Database (noormags.ir)